

در حال مصونیت میزیستند، و حتی در دو حرم مقدس مکه و مدینه اقامت میگردند؛ و کسی متعرض حالشان نمی شد، ولی شیعه
از اینجا است که شیعه هرگز نمی تواند، اعمال چنین اکثریت مخالفی را تحمل بر سهو و اشتباه نموده و آنها را در پیشگاه خدای داد رس معذور بداند.

این کتاب در بیان عقاید شیعه و تالیفات شیعیان در فقه و اصول و کلام و تاریخ و فلسفه و طب و ادب و هنر و غیره در حدود ۱۰۰۰ صفحه است. این کتاب در سال ۱۳۰۲ هجری قمری در تبریز چاپ شده است. مؤلف این کتاب شیخ محمد باقر خراسانی است. این کتاب یکی از مهم ترین کتب فقهی شیعه است که در ایران و خارج آن به وفور چاپ شده است. در این کتاب به تفصیل به عقاید شیعه و تالیفات شیعیان در فقه و اصول و کلام و تاریخ و فلسفه و طب و ادب و هنر و غیره پرداخته شده است. این کتاب در حدود ۱۰۰۰ صفحه است. این کتاب در سال ۱۳۰۲ هجری قمری در تبریز چاپ شده است. مؤلف این کتاب شیخ محمد باقر خراسانی است. این کتاب یکی از مهم ترین کتب فقهی شیعه است که در ایران و خارج آن به وفور چاپ شده است.

در این کتاب به تفصیل به عقاید شیعه و تالیفات شیعیان در فقه و اصول و کلام و تاریخ و فلسفه و طب و ادب و هنر و غیره پرداخته شده است. این کتاب در حدود ۱۰۰۰ صفحه است. این کتاب در سال ۱۳۰۲ هجری قمری در تبریز چاپ شده است. مؤلف این کتاب شیخ محمد باقر خراسانی است. این کتاب یکی از مهم ترین کتب فقهی شیعه است که در ایران و خارج آن به وفور چاپ شده است.

اندازه هو و تقییت شیعه
پیر و این انتقاد

البته از رحلت پیغمبر اکرم با اینطرف، پیوسته شیعه هر گونه فشار و شکنجه را در اثر همان شیوه انتقادی خود کشیده و میکشد، ولی سیاه ترین و تلخ ترین روزگاری که باین طائفه گذشته، همان سه قرن اول بعد از هجرت بوده، و ازین راه پیشوایان شان طبق دستور قرآنی آنها را امر بتقیه نموده بودند (۴۴) و پس از آن در اثر فعالیت رجال شیعه، و تبلیغات دانشمندان این طائفه، گاه و بیگاه در گوشه و کنار جامعه اسلامی، محیطهای کوچک یا نسبتاً بزرگ مناسبی، برایشان پیدامیشد (۴۵) مانند سلطنت زیدیه در یمن، و سلطنت فاطمیین در مصر، و سلطنت آل بویه و عده ای دیگر از ملوک الطوائف، که در عهد آنان شیعه تا اندازه ای، حریت مذهب و آزادی عمل، بدست آورد. وسیع ترین محیط مناسب همان بود که در اثر مبارزه های خونین

صفویه پیدا شد، و کشور پهناوری را مثل ایران آنروز اشغال کرد، و نزدیک به پنج قرن میباید که روز بروز پای بر جاتر و استوارتر میگردید. ولی نظر باینکه رژیم حکومت کسرائی و قیصری، بنام خلافت و حکومت دینی، قرنهای متوالی در میان مسلمین مستقر شده؛ و بهر گوشه و کنار زندگی شان ریشه دوانیده بود، دیگر تغییر این رژیم و بر گردانیدن روش حکومت دینی، که اسلام بسوی وی هدایت میکرد، از توانائی جمعیت، بیرون بود، و کار از کار گذشته بود.

معاویه پس از اینکه با حسن بن علی صلح کرده (۴۶) و خلافت را قبضه نمود، در منبر مردم را مخاطب ساخته و گفت: من باشما بر سر نماز و روزه نمی جنگیدم، بلکه میخواستم بر شما برتری جسته و امارت کنم، و بآنچه میخواستم دست یافتم، و هر عهدی که با حسن بستم، اینک در زیر پای خود گذاشتم.

پیوسته خلفاء و عمال بنی امیه و بنی عباس رسماً ب مردم میگفتند: (۴۷) هر که برای ماسر تعظیم فرود آورد، هر چه دلش میخواهد در حقش خوبی خواهیم کرد، و اگر شرکشی نماید، از هر چه از دست ما میآید در باره او کوتاهی نخواهیم نمود، و در نتیجه مردم برای حکومت معنائی جز «فعال مایشاء بودن» نمی فهمیدند.

و پر روشن است که اجرای عقیده ای که دانشمندان یکمذهب (بویره با این وصف که مارك اقلیت داشته باشد) در يك نظریه مذهبی دارند، در برابر يك عقیده ارتکازی که عامه مردم جز او چیزی نمی فهمند، بسی دشوار است، خاصه در صورتی که دنیای بیرون نیز نظر عامه

را مساعدت نموده، و از هر در و دیوار آهنگ موافق بلند شود. و بالاخره شیعه نتوانستند حکومت حقیقی اسلامی را که برنامه عمومی او این آیه «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم ان لا نعبد الا الله و لا نشرك به شیئاً و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله فان تولوا فقلوا فقلوا اشهدوا بانا مسلمون» (۴۸) و کلمه پیغمبر اکرم «المؤمنون اخوة یسعی بذمتهم ادناهم و هم ید و احدة علمی من سواهم» (۴۹) بوده باشد پس از قرنهای متر و کی و فراموشی بجای اولی خودش بر گردانند.

و در نتیجه حکومت دینی از شیعه نیز، مانند سایر فرق اسلامی رخت بر بسته و تنها نام وی در میان شان مانده و حقیقت وی یا قسمتی از حقیقت وی در میان دیگران اجرا شد و کلمه پیشوای اول شیعه «الله الله فی القرآن لا یسبقنکم الی العمل به غیر کم» (۵۰) زنده گشت. تنها نتیجه ای که شیعه ازین انتقاد علمی و تلاشی عملی و استقلال کسبی بدست آورد؛ این بود که دیگران و عرض و مال شان بجزم رافضی بودن مباح نگردیده و بیغما و تاراج نمی رفت، و در ظاهر بعقائد مذهبی و انجام دادن مراسم دینی بنحوی که مذهب تشیع تشخیص میداد در محیط اختصاصی خودشان کسی متعرض حال شان نمی شد.